



باید بر یک محور وفاق کنیم

مسعود پزشکیان در دیدارها با مجمع نمایندگان استان‌های مرکزی، گیلان و مازندران گفت: «دولت چهاردهم ایجاد وفاق را مبنای کار خود قرار داد تا با غلبه بر اختلافات، همه ظرفیت‌ها و توانمندی‌های کشور را در مسیر حل مشکلات هم‌افزا کند.» او ادامه داد: «با وحدت بر محور اجرای سیاست‌های کلان نظام می‌توان به زبان و راهکارهای اجرایی مشترک برای حل مشکلات کشور رسید.» پزشکیان کامل و صحیح اجرا شدن سند چشم‌انداز و سیاست‌های کلان نظام را که برآمده از نظر کارشناسان و مورد تأیید رهبر انقلاب است، عامل تداوم مشکلات کشور دانست و گفت: «با وجود تفاوت سلاقی و نظرات همه باید بر یک محور وفاق کنیم و آن نظرات رهبری معظم انقلاب است که باید برای همه فصل الخطاب باشد.» او به کارگیری افراد توانمند به دور از نگاه‌های جناحی و سیاسی را تحولی در روند اداره امور کشور برای رفع نقائص و حل مشکلات دانست و از نمایندگان مجلس خواست دولت را در تدوین شاخص‌ها، انتخاب و انتصاب مدیران اجرایی متخصص، کارآمد و تحول‌گرا کمک کند. پزشکیان گفت: «تلاش خواهیم کرد منابع محدود کشور را با دقت و وسواس و بر مبنای عدالت و طرح‌های آمایش سرزمینی به اولویت‌های جدی و اموری اختصاص دهیم که بیشترین بهره‌مندی عمومی از آنها نصیب مردم می‌شود. همچنین تلاش خواهیم کرد با تعامل صادقانه با مردم حداکثر مشارکت مردم را در اداره امور جذب کنیم.»

عکس: جماران

سه هم‌اصلاح‌طلبان در پیروزی پزشکیان

پژوهش
سیاست

بررسی آماری
تحلیلی انتخابات
ریاست جمهوری ۱۴۰۳



به‌طور طبیعی همه به سراغ تحلیل آمار و ارقام انتخابات و نظرسنجی‌ها می‌روند. این تصور وجود دارد که اعداد و ارقام، ماهیتی آجکتیو دارند و به‌همین دلیل سوگیری‌های فردی در تحلیل آن‌ها لحاظ نمی‌شود. این تصویری خطاست؛ مفسر، هرچقدر تلاش کند بی‌طرف باشد، باز هم در تفسیر نتایج یک پدیده سیاسی، ممکن است دچار سوگیری شود.

علاوه بر این، مطالعات کمی در فهم پدیده‌های سیاسی، نابسند است. اکنون بیش از شش دهه است که متخصصان و دانشمندان علوم اجتماعی بر اهمیت مطالعات کیفی در فهم پدیده‌های اجتماعی و سیاسی تأکید می‌کنند و بر نابسندگی پژوهش‌های کمی برای فهم این پدیده‌ها تأکید دارند. البته این به‌معنای نادیده گرفتن یافته‌های کمی در علوم اجتماعی نیست؛ به‌عنوان کسی که در مطالعاتش مدام به اعداد و یافته‌های کمی ارجاع می‌دهد، معتقدم مطالعات کمی در فهم پدیده‌های اجتماعی و سیاسی لازم است اما کافی نیست؛ به‌همین جهت معتقدم که روش‌های تلفیقی (mixed-method) در فهم این پدیده‌ها می‌تواند کارایی بیشتری داشته باشد و از دقت علمی بالاتری برخوردار است.

بر همین اساس، معتقدم فهم پدیده انتخابات در ایران و عوامل مؤثر بر آن نیز از یک روش تلفیقی می‌گذرد و صرفاً نمی‌توان با داده‌های کمی آن را فهمید؛ خصوصاً اگر این داده‌ها فقط متمرکز بر داده‌های انتخاباتی باشند و سایر داده‌هایی که به فهم بهتر رفتار مردم کمک می‌کند، نظیر داده‌هایی که تغییر نگرش سیاسی مردم و یا احساسات آن‌ها به پدیده‌های اجتماعی را توضیح می‌دهد، در تحلیل غایب باشند. علاوه بر آن، به‌کارگیری روش‌های کیفی نظیر مشاهدات مردم‌شناسانه و تحلیل گفتمان سیاسی نیز برای فهم این پدیده ضرورت دارد؛ در کنار آن، فهم رفتار جمعی مردم بدون اتکای به نظریه و فقط متکی بر داده‌های انتخاباتی نیز ناکافی است و این رویکرد بدون اتکا به نظریه، فهم دقیقی نخواهد بود.

ناشی از رقابت‌های قومی و محلی، که ناشی از رقابت سیاسی و نوعی مشارکت سیاسی است و از این جهت با انتخابات ریاست جمهوری قابل قیاس است.

مشارکت در انتخابات ریاست جمهوری نیز از جنس مشارکت سیاسی است و رقابت‌های قومی و محلی بر آن اثری ندارد. از این منظر، انتخابات ریاست جمهوری ۱۴۰۳ در شرایطی کاملاً متفاوت از انتخابات‌های پیشین برگزار شد؛ برخلاف انتخابات سال‌های ۹۲، ۹۶ و ۱۴۰۰، این انتخابات هم‌زمان با انتخابات شورای شهر نبود و از این جهت بخشی از مشارکت انتخاباتی که ناشی از رقابت‌های قومی و محلی رقم می‌خورد، در این انتخابات محقق نشد. به‌عبارت دقیق‌تر، میزان مشارکت در این انتخابات را می‌توان کاملاً به مشارکت سیاسی تفسیر کرد. این در حالی است که در این انتخابات، دوقطبی از جنس دوقطبی سال ۸۸ و یا رقابت سیاسی از جنس انتخابات سال ۸۴ نیز وجود نداشت و همین عوامل انتخابات ریاست جمهوری اخیر را تا حدی منحصر به‌فرد کرد.

بنابراین انتخابات ریاست جمهوری ۱۴۰۳ تحت شرایطی برگزار شده بود که در انتخابات‌های پیش از آن، مشارکت سیاسی در کلان‌شهرها بسیار کاهش یافته بود؛ طبق برخی از محاسبات، اگر انتخابات سال ۱۴۰۰ نیز بدون وجود انتخابات شورای شهر برگزار می‌شد، مشارکت در آن تنها ۲۸ تا ۳۹ درصد می‌شد؛ اعدادی که نشان می‌دهد مشارکت سیاسی تا چه اندازه کاهش یافته‌بود. در فضایی که امید به اثرگذاری از طریق صندوق رأی و همچنین میل به مشارکت سیاسی از طریق انتخابات با کاهش شدیدی روبه‌رو شده بود، تأیید صلاحیت مسعود پزشکیان و حضور اصلاح‌طلبان در انتخابات، اتفاقی جدید از منظر مشارکت رقم زد که باید عوامل مؤثر بر آن را شناخت.

چرا با عدد و رقم به‌تنهایی نمی‌توان یک پدیده سیاسی را توضیح داد؟

زمانی که بحث از عوامل مؤثر بر نتیجه انتخابات می‌شود،

محمد رهبری

دکتری جامعه‌شناسی سیاسی



با معرفی کابینه چهاردهم، بحث در باب نقش اصلاح‌طلبان در پیروزی مسعود پزشکیان در انتخابات به محافل مختلف اصلاح‌طلبی بازگشته است. برخی مصرانه بر این عقیده پافشاری می‌کنند که اصلاح‌طلبان و در رأس آن سیدمحمد خاتمی نقش کم‌رنگی در پیروزی پزشکیان داشته‌اند و برای آن، به برخی مطالعات کثی، ارجاع می‌دهند. به‌شخصه تمایلی برای پرداختن به این مجادله نداشتیم و در آینده نیز به آن نخواهم پرداخت. با این حال مهم است که چه تصویری از آنچه رخ داده داشته باشیم. اهمیت این بحث نه برای امروز که برای آینده است تا نقش نیروهای سیاسی در شکل‌گیری تحولات مهم اجتماعی-سیاسی ارزیابی شود. بر همین اساس، پرسش این است که سهم اصلاح‌طلبان در پیروزی پزشکیان در انتخابات چقدر بود؟ این موضوعی است که این یادداشت به آن خواهد پرداخت.

مروری بر چند پدیده مهم

تنها چند هفته پیش از برگزاری انتخابات ریاست جمهوری، در دوم انتخابات مجلس در تهران با مشارکت ۸ درصدی مردم برگزار شده بود. این در حالی است که در اسفند ۱۴۰۲ و در دور اول انتخابات مجلس نیز، در کلان‌شهرها مشارکت بالایی رخ نداده بود و آرای باطله یکی از شگفتی‌های این انتخابات شده بود. کف رأی لیست نیروهای میانه‌رو، موسوم به روزنه‌گشایی، در تهران صرفاً ۱۰ هزار رأی بود و در کلان‌شهرهایی نظیر شیراز و اصفهان و مشهد این لیست توفیقی کسب نکرده بود. مسعود پزشکیان هم که در کلان‌شهر تبریز موفق به حضور در مجلس شده بود، پس از چند انتخابات متوالی که در تبریز اول می‌شد، در این کلان‌شهر دوم شده بود.

اهمیت تحلیل آرای کلان‌شهرها در انتخابات مجلس از آن جهت است که در این مناطق، مشارکت در انتخابات نه

نگاه
تحلیلگر

تلاش برای نگارش داستانی تازه در سیاست ایران

علی اصغر نوروززاده

پژوهشگر علوم مدیریت

مسعود پزشکیان، رئیس‌جمهوری، کابینه‌ای معرفی کرده که از همان ابتدا با تأکید بر لزوم تعامل میان همه جناح‌های سیاسی، نوبدبخش رویکردی تازه در سیاست‌ورزی کشور است. او نه‌تنها به

تلاش کرده تا همه جناح‌ها را در نظر بگیرد و اختلافات را به حداقل برساند. هرچند که این انتقادها مهم به نظر می‌رسند، نباید فراموش کنیم که پزشکیان با مجلسی یکدست اصولگرا و پر از چهره‌های برجسته مواجه است. در چنین شرایطی، کابینه باید طوری تنظیم شود که منافع مختلف را در یک توازن حساس نگه دارد تا تصمیم‌گیری‌ها به جای بحران، به راه حل منجر شود. پزشکیان در برابر این انتقادها، کابینه‌اش را نتیجه «خرد جمعی و تعامل با همه جناح‌های سیاسی» معرفی کرده است. شاید در نگاه اول، این تعامل باعث کندی در روند تغییرات شود، اما در واقع، تضمین‌کننده استحکام و پایداری دولت در مقابله با چالش‌های بزرگ‌تر است. در این کابینه، سه وزارتخانه کلیدی یعنی امور خارجه، اقتصاد و کشور، نقشی اساسی در تعیین مسیر آینده کشور دارند؛ انتخاب‌هایی که برای این سه وزارتخانه انجام شده، نه‌تنها رویکرد دولت جدید در مواجهه با مسائل کلان داخلی و خارجی را نشان می‌دهد، بلکه راهبرد کلی رئیس‌جمهور در مقابله با بحران‌های اقتصادی، امنیت

دنبال اجرای وعده‌های تغییر و اصلاحات است، بلکه هدفی بزرگ‌تر دارد: ایجاد وحدت و همدلی میان همه گروه‌های سیاسی. به محض اعلام اسامی کابینه پیشنهادی، محمدجواد ظریف، وزیر پیشین امور خارجه، واکنشی سریع نشان داد. او در توییت نوشت: «از نوزده وزیری که امروز معرفی شدند، سه نفر نامزد نخست، ۶ نفر نامزد دوم یا سوم و یک نفر نامزد پنجم کمیته‌ها و یا شورای راهبری بودند.» این جمله گویای این است که پزشکیان برای جمع‌بندی این کابینه،